



مهندسی اجتماعی

(Social engineering)



اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

www.fathian.ir

info@fathian.ir

مهندسی اجتماعی چه معنایی دارد؟

مهندسی اجتماعی به معنای کار به روی یک شخص و یا گروه، باهدف ایجاد اشتیاق به انجام کارهایی برای حصول به اهداف از پیش تعیین شده است. در هر زمان که یک اراده فردی و یا جمعی سعی در وادار نمودن کسی به انجام کار موردنظر خود نماید، یک عمل مهندسی اجتماعی را انجام داده است. از یک کودک که سعی در وادار نمودن والدین به خرید اسباب بازی موردنظر خود می نماید تا تلاش افراد بزرگسال برای بدست آوردن یک شغل یا ارتقاء شغلی، همگی شکلی از مهندسی اجتماعی را در برمی گیرند.

مهندسی اجتماعی، با استفاده و یا سوءاستفاده انسان به منظور بهره گیری ابزاری در نیل به هدف پدیدار می شود. به مهندسی اجتماعی نیز مهندسی تاریک، مهندسی آرام و همچنین مهندسی خاموش تعبیر می شود.

اقسام جامعه



جامعه ایستا

جامعه ای است که در آن معمولاً به نوآوری نمی پردازند و اخلاق اجتماعی، اسیر عرف است و نادیده گرفتن هنجارهای اجتماعی در آن روی می دهد، سالخورده‌گان که خزانه سنت‌ها به شمار می آیند، جامعه را می گردانند، تحرک اجتماعی در آن بسیار اندک است و اصولاً کارها به نحوی ثابت انجام می گیرند. می توان جوامع پیش از رنسانس اروپا را در شمار این جوامع قرار داد.

جامعه پویا

در مقابل جامعه ایستا، جامعه پویا قرار دارد. نمونه برجسته آن جامعه صنعتی است؛ که پیوسته در دست تغییر است، سنت‌ها لزوماً گرامی نیستند، تحرک اجتماعی و تحرک طبقه‌ای نسبتاً به آسانی تحقق می یابد. تفکر انتقادی، ابتکار و حتی انحراف از هنجارهای اجتماعی فراوانند، افکار نو و افراد جوان، محور فعالیت اجتماعی شمرده می شوند و زندگی پرتحول جامعه، همه کس را به تکاپو می اندازد.

عوامل همبستگی اجتماعی



زبان: زبان نخستین عامل همبستگی اجتماعی بوده و مانند ظرفی است که اندیشه‌های نسل گذشته و فرهنگ جامعه در آن ذخیره می‌شود. ما با مشارکت در یک جهان زبانی، در واقع، بخشی از یک اجتماع زبانی هستیم. زبان، ما را به هم‌زبانی‌های ما پیوند می‌دهد و بدون یک زبان مشترک، انسان‌ها هرگز نمی‌توانند به همبستگی و توافق دست یابند و در نتیجه هرگونه سامانی امکان‌پذیر نیست.

بینش: زبان تنها یک میانجی رفتار است و نه راهنمای مثبت آن. جامعه علاوه بر زبان، به یک اعتقاد مذهبی مشترک؛ یعنی دین نیز نیاز دارد. دین، همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک نظام عقیدتی مشترک به هم پیوند می‌دهد و از طرفی، هر حکومتی برای تقدیس و تنظیم رابطه فرماندهی و فرمان‌بری، به یک دین نیاز دارد.

تقسیم کار: سومین عامل، تقسیم کار است؛ که ارگانیک اجتماعی را این‌همه پیچیده کرده است. تقسیم کار، گذشته از تحویل استعدادها و گنجایش‌های فردی، از طریق ایجاد حس وابستگی به دیگران، باعث افزایش همبستگی انسان می‌شود.

البته نهادهای اجتماعی دین، زبان و تقسیم کار را مستقل از هم نمی‌دانند؛ بلکه هر یک از آن‌ها را برحسب سهمی که در ساختن سامان گسترده‌تر اجتماعی داشتند، در نظر می‌گرفت.

اصول مهندسی اجتماعی



اجتماع چیست و کجاست؟

اجتماع جایی است که انسانها باهم زندگی میکنند و در این زندگی تعامل دارند، به عبارتی بده و بستان دارند. اجتماع را می توان هم زیستی صمیمانه، خصوصی و انحصاری تعریف کرد. به عبارتی اجتماع نامی است که بر زندگی گروهی که در یک منطقه جغرافیایی مشترک، سکونتی نسبتاً با دوام دارند، اطلاق می گردد.

اجتماع هنگامی وجود دارد که این سه ویژگی را داشته باشد.

- در یک فضای جغرافیایی محدود متمرکز شده باشند.
- میان ساکنان این اجتماع به مقدار زیاد کنش متقابل وجود داشته باشد و رویاروی باشند.
- افراد آن، خود را عضو این اجتماع احساس کنند و عقیده داشته باشند که متعلق به یکدیگر هستند و این عقیده تنها مبتنی بر خویشاوندی نسبی نباشد.

اجتماع واحد بزرگتر جامعه است که از بهم پیوستن چند جامعه پدید می آید.

جنسیت:

دو جنس مرد و زن تشکیل دهنده اجتماع هستند. و البته در کنار موضوع زیستن همسفره گی و همزیستی حیوانات همواره در جوامع بشری به تناسب مختلف صورت می پذیرد.

در دنیای امروز افراد همجنس را پیرامون موضوع جنسیت و همزیستی به سه بخش زیر تعریف میکنند:

- همسر
- همسو
- همسان

این دو جنس در چند مقطع سنی بر اجتماع اثر گذارند.

- طفولیت
- کودکی
- نوجوانی
- جوانی
- کهنسالی

رفتار انسانی: شناخت + رغبت = رفتار

منظور از رفتار چیست؟

آن دسته از حالت ها+عادت ها+فعالیت ها+کنش ها و واکنش های نسبتاً پایدار انسان با خصوصیات= قابل مشاهده + اندازه گیری + ارزیابی و پیش بینی را رفتار می گویند. همچنین آنچه که در راستای توانمندی های جسمی و روحی انسان می باشد. این امور اعم از ذهنی و عملی می باشد. البته امور عملی تاثیرات مستقیم و امور ذهنی تاثیرات غیر مستقیم بر اجتماع می گذارند.

نکته مهم:

در ارزیابی رفتار باید توجه کرد که رفتار چه کسی، در چه شرایط و موقعیتی و با چه فراوانی و شدتی مورد بررسی قرار میگیرد؛ چرا که زمانی می توانیم برداشت و تفسیر جامعی از رفتار یک فرد داشته باشیم که شرایط زمانی و مکانی، موقعیت بروز رفتار و ویژگی های زیستی، ذهنی و روانی وی را مورد توجه کافی قرار دهیم.

اصول رفتار انسانی

- بر اساس غریزه
- بر اساس منافع (جمعی و یا فردی)
- بر اساس جنسیت و یا شخصیت
- بر اساس بینش ها و گرایشات
- بر اساس اهداف فردی و یا گروهی
- بر اساس اجبار و یا اختیار
- بر اساس طبقه بندی اجتماعی (غنی - فقیر ، تاثیر گذار - تاثیر پذیر و)

اشکال رفتار در اجتماع:

- رفتار بر اساس شخصیت
- رفتار بر اساس شغل
- رفتار بر اساس تحصیلات
- رفتار بر اساس امکانات (ثروت - قدرت - شهرت)
- رفتار بر اساس اعتقادات

روانکاوی رفتارهای بدن



رفتارهای اکتشافی

رفتارهای اکتشافی تا حدودی ذاتی اند زیرا بر اساس امکانات ژنتیکی یا آناتومی بدن انسان شکل گرفته است نه صرفاً بر پایه دستورالعملهای ژنتیکی مشخص. رفتارهای اکتشافی به صورت ناخودآگاه در طول فرایند رشد کسب می‌شوند. از این رو نمی‌توان به روشنی نحوه عملکرد و حتی زمان دقیق یادگیری‌شان را توضیح داد. این رفتارها جهان‌شمول هستند و به همین دلیل غالباً با رفتارهای ذاتی اشتباه گرفته می‌شوند. این رفتارها به صورت یکسان از همه اقشار سر می‌زنند.

رفتارهای جذبی

رفتارهای جذبی رفتارهایی هستند که انسان به صورت ناخودآگاه از سایر هم‌نوعانش تقلید می‌کند. برخلاف رفتارهای اکتشافی، رفتارهای جذبی فرهنگ بنیاد است و از گروهی به گروهی، از فرهنگی به فرهنگی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. از آنجا که انسان موجودی مقلد است، غیرممکن است در جامعه‌ای زندگی کند و از الگوهای رفتاری خاص آن جامعه تأثیر نپذیرد. از این روست که شیوه خندیدن، اخم کردن، راه رفتن و ایستادن تابع همین تأثیرات اجتماعی است.

رفتارهای آموخته

رفتارهایی هستند که به صورت کاملاً آگاهانه از طریق آموزش یا مشاهده و تمرین تحلیلی فردی فراگرفته می‌شوند. در یک سوی طیف رفتارهای آموخته، رفتارهای بسیار پیچیده و مشکلی چون راه رفتن روی دستها - که آکروبات‌بازها انجامش می‌دهند - وجود دارد و در سوی دیگر طیف، رفتارهای ساده‌ای چون چشمک زدن و دست تکان دادن دیده می‌شود. در بعضی موارد برخی از رفتارهای آموخته با رفتارهای جذبی همپوشی دارند مثلاً دست تکان دادن

رفتارهای تلفیقی

انسان به چهار شیوه متفاوت زبان بدن را فرامی‌گیرد:

- خصوصیات ژنتیکی
- کشفیات شخصی
- جذب اجتماعی
- آموزش آگاهانه

انسان‌هایی که رفتارهایی بر اساس این چهار اصل تشکیل دهنده صورت می‌دهند، تلفیقی از رفتارها را انجام داده‌اند. رفتارهای تلفیقی از پیچیده‌گی برخوردار است و اکثراً طبقات تاثیرگذار و پویا از رفتارهای تلفیقی بهره می‌جویند.

نظریه تحلیل رفتار متقابل انسان (کودک- بالغ - والد)

«همه‌ی ما انسان‌ها دارای حالت‌های نفسانی کودک، بالغ و والد می‌باشیم که در هر لحظه از عمر خود، یکی از آن‌ها را در مقابل حالت‌های نفسانی کودک، بالغ و والد فرد مقابل، بازی می‌کنیم و حالت‌های نفسانی شامل احساس‌ها، عواطف، نوع تفکر، رفتار و سلوک آدمی است.» پس حالت‌های نفسانی، مجموعه‌ای از رفتارها، فکرها و احساس‌های مربوط به هم است که به وسیله‌ی آن، بخشی از شخصیت خود را در یک زمان به خصوص، نمایان می‌سازیم.

در حالت «کودک»، احساس‌ها، فکرها و رفتارهای گذشته‌ی خود را بازآفرینی می‌کنیم یعنی با قهر کردن، زور گرفتن و یا با چشم گفتن و ناز کردن، می‌خواهیم کار خود را پیش ببریم.

در حالت «والد»، درگیر احساس‌ها، فکرها و رفتارهایی هستیم که در گذشته، پدر و مادر ما و یا افرادی که جانشین آنان بوده‌اند، داشته‌اند یعنی ما همان رفتار، کردار و برخورد آنان را یاد می‌گیریم و در بزرگسالی در زندگی خودمان، پیاده می‌کنیم.

در حالت «بالغ»، با تمام توانایی‌ها و منبع‌های فعلی خود به موفقیت‌ها، واکنش نشان می‌دهیم. رفتار و کرداری به‌طور کامل از روی خرد و تدبیر از خود، نشان می‌دهیم. از طرف دیگر، هر یک از ما انسان‌ها در مقابل دیگری، نقش مقابل او را بازی می‌کنیم. برای نمونه، نقش‌های متقابل «والد- کودک»، یعنی اگر طرف مقابل ما، نقش والد را در این لحظه ایفا می‌کند، به احتمال زیاد، ما را به ایفای نقش کودک خود می‌کشاند.

انسانها با هم در سه حالت ارتباط برقرار میکنند

- یک طرف والد- آن طرف بالغ
- یک طرف کودک- آن طرف والد
- یک طرف بالغ- آن طرف کودک

بطور خلاصه انسانها طبیعت های چند گانه دارند

- **کودک:** احساس ما درباره‌ی زندگی است
- **والد:** تعالیم دیگران است
- **بالغ:** اندیشه ما در مورد زندگی است

نگرش انسان ها نسبت به سایر افراد جامعه:

- دیدگاه همسو
- دیدگاه همسان
- دیدگاه تقابلی
- دیدگاه تفاهمی
- دیدگاه موضوعی و مفهومی

رفتار اجتماعی:

آن دسته از حالت ها و عادت ها و فعالیت ها و کنش ها و واکنش افراد در محیط اجتماعی رفتار اجتماعی می گویند. رفتارهای افراد در اجتماع چندگونه اند:

رفتار تهاجمی

- رفتار تدافعی
- رفتار سازنده
- رفتار تخریبی
- رفتار احساسی
- رفتار اندیشمندانه
- رفتار تلفیقی

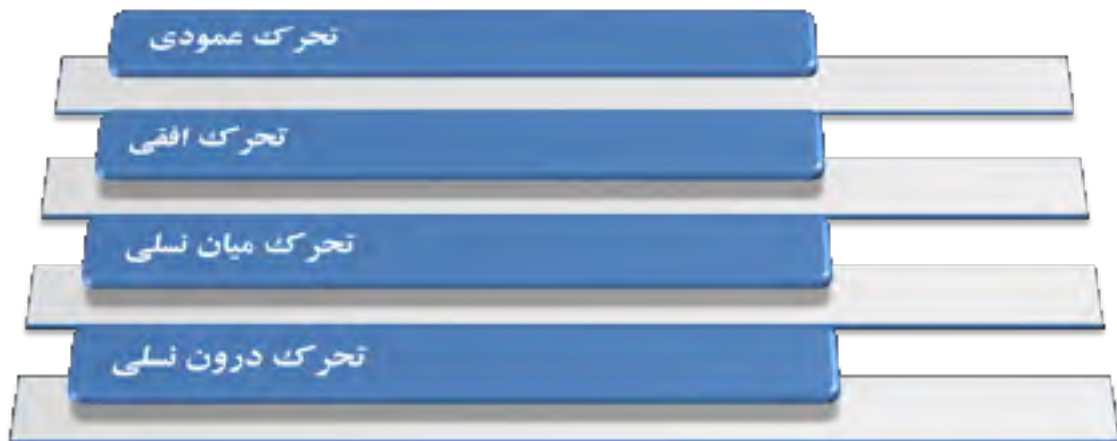
تحرك اجتماعی

تعريف

اصطلاح تحرك اجتماعی به حرکت افراد از یک منزلت اجتماعی به منزلت دیگر اطلاق می شود. آدمها ممکن است به منزلت پایین یا بالا تحرك یابند و یا در یک سطح منزلتی از یک شغل به شغل دیگر انتقال پیدا کنند.

انواع تحرك در اجتماع

جامعه شناسان چهار نوع تحرك اجتماعی را تشخیص داده اند :



تحرك عمودی، به تغییر منزلت فرد از یک طبقه ی اجتماعی به طبقه دیگر اطلاق می شود. شخصی که تحرك عمودی را تجربه می کند، ممکن است به سمت بالا یا بالای نردبان اجتماعی تحرك یابد.

در اینجا باید این نکته ی مهم را گوشزد کنیم که تحرك اجتماعی هم می تواند رو به بالا باشد و هم در جهت پایین. عوامل مهمی که در تحرك نزولی نقش دارند، همان عوامل پسرفت آدمی در یک جامعه است.

مثال: شخصی که از ریاست یک اداره به مدیریت کل ارتقاء می یابد، در واقع تحرك عمودی صعودی را تجربه می کند. بر اثر این ارتقاء درآمد و مسئولیت کلی این فرد نیز افزایش می یابد. اما مربی فوتبال یک تیم دست اول وقتی به مربیگری یک تیم دسته دوم نزول می کند، تحرك عمودی نزولی می یابد.

تحرك افقی، به حرکت فرد از یک شغل به شغلی دیگر در همان سطح اجتماعی، اطلاق می شود. شخصی که تغییر شغل می دهد ولی منزلت اجتماعی هیچ تغییری نمی کند، تحرك افقی را تجربه می کند.

مثال: کسی که از یک شغل کارگر پمپ بنزین با درآمد ماهی هفت هزار تومان به شغل کارگر ساختمانی با همان درآمد انتقال می یابد، تحرك افقی را نشان می دهد.

تحرك میان نسلی، به حرکتی اطلاق می شود که میان دو نسل صورت می گیرد.

مثال: وقتی پسر یک راننده تاکسی در رشته ی پزشکی فارغ التحصیل شده و یک پزشک موفق می گردد، تحرك میان نسلی اتفاق می افتد، تحرك میان نسلی سیر نزولی نیز می تواند داشته باشد. وقتی پسر یک پزشک راننده ی تاکسی می شود، فراگرد بالا صورت معکوس به خود می گیرد.

تحرك درون نسلی، به دگرگونی یا دگرگونیهای در منزلت اجتماعی یک فرد یا گروه، طی یک نسل، اطلاق می شود.

مثال: فرض کنید پنج فرزند در یک خانواده ی میانه حال به دنیا آمده باشند. چهار نفر آنها پس از گذراندن تحصیلات متوسطه، با حقوق متوسط جذب بازار کار می شوند، ولی یکی از آنها کار نیمه وقت می گیرد و در دانشگاه به تحصیلاتش ادامه می دهد. او پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه فرصت درخشانی در یک شرکت بزرگ به دست می آورد و پس از چند سال به عالی ترین سطح مدیریت آن شرکت ارتقاء می یابد. در نتیجه، سطح درآمد و پایگاه اجتماعی این فرزند پنجم چنان بالا می رود که با چهار فرزند دیگر خانواده قابل مقایسه نیست. در واقع، این فرد نمونه ی یک تحرك درون نسلی را به نمایش می گذارد.

اقسام جامعه

- جامعه باز
- جامعه بسته

در یک جامعه ی باز بی گمان نابرابریهایی وجود دارند، ولی افرادش دست کم از امکان تحرك به یک طبقه ی اجتماعی بالاتر برخوردارند. باید یادآور شد که یک جامعه ی براستی باز، یک نوع آرمانی است و تنها در نظریه وجود دارد. در یک نظام اجتماعی باز، افراد با نشان دادن دستاوردها و شایستگی هایشان از پایگاه منزلتی معینی برخوردار می شوند. اما در یک جامعه ای

که از هر نظر بسته است ، پایگاه منزلتی فرد از همان بدو تولد مشخص می شود و برای سراسر عمر ثابت باقی می ماند ، بی آنکه تحرکی رو به بالا و یا به پایین را تجربه کند.

نظام آپارتاید آفریقای جنوبی که اکنون کم و بیش منسوخ شده است ، بهترین نمونه ی یک نظام اجتماعی بسته است. در این نظام ، سیاهان تنها به کارهای پست می پردازند و جداً از جمعیت سفیدپوست زندگی می کنند. سیاهان آفریقای جنوبی در یک نظام بسته ی طبقاتی به دنیا می آیند و هیچگونه امکانی برای تحرک به سطح بالاتر جامعه ندارند.

زیانهای زندگی کردن در یک جامعه باز

یک جامعه ی باز هر چند که فرصت تحرک اجتماعی را برای افراد فراهم می کند ، اما همراه با این افزایش فرصتهای تحرک ، زیانها و ناملایماتی را نیز به بار می آورد. در محیطی که افراد برای دستیابی به منزلتهای بالاتر اجتماعی با یکدیگر رقابت می کنند ، غالباً فشار روانی و سرخوردگی نیز احساس می شود. کسانی که آرزومند منزلت اجتماعی بالاترند ولی توانایی رقابت را ندارند ، احساس عدم موفقیت و سرخوردگی می کنند. آن کسانی هم که توانایی رقابت را دارند ، ممکن است احساس کنند که پاری اصولشان گذاشته اند و وقت کافی برای گذراندن با خانواده را پیدا نمی کنند و یا چونکه همه ی توانشان را وقف دستیابی به منزلت بالاتر کرده اند بسیاری از ارزشهای دیگرشان را وانهاده اند. در ضمن ، فرد موفق که از یک طبقه ی اجتماعی به طبقه ای بالاتر تحرک می یابد ، ممکن است بسیاری از دوستان و آشنایان سابقش را از دست دهد ، زیرا تغییر در علایق و الگوهای رفتاریش ، دوستانش را از او می تاراند و پیدا کردن دوستان صمیمی تازه نیز به آسانی امکان پذیر نیست.

عوامل دخیل در تحرک اجتماعی



حجم خانواده: وقتی در یک خانواده فرزندان بسیاری وجود داشته باشند، تأمین همه ی نیازهای این فرزندان برای والدیشان، غالباً دشوار می شود. وقتی این فرزندان پا به سن می گذارند، تأمین منابع مالی موردنیاز برای ادامه ی تحصیلات و در نتیجه فراهم آوردن مشاغل مطلوب برای آنان، بیش از پیش برای والدین مشکل می شود. بنابراین، فرزندان که در یک خانواده ی کوچک پرورش می یابند، احتمال تحرک صعودیشان بیشتر از فرزندان یک خانواده ی بزرگ است.

نژاد و قومیت: علیه اعضای برخی از گروههای نژادی و قومی در محیط کار، مدارس تبعیضهایی اعمال می شود. در ایالات متحد سابقه ای طولانی از تبعیض نژادی علیه سیاهان، سرخپوستان و اسپانیایی تباران، وجود دارد. بختهای دستیابی این گروهها به تحصیلات عالی و مشاغل مطلوب، به اندازه ی بختهای سفیدپوستان نیستند. در جوامعی که اقلیتهای قومی و نژادی دارند، زمینه های نژادی و قومی بر فرصتهای تحرک عمودی افراد، تأثیر چشمگیری دارند.

تحصیلات: معمولاً میزان تحصیلات رسمی یک فرد با میزان درآمد او رابطه ی نزدیکی دارد. کارکرد اصلی آموزش رسمی در ارتباط با تحرک اجتماعی، این است که مهارتهای لازم برای اشتغال در یک شغل را برای فرد فراهم سازد. تکمیل دوره ی مناسب آموزشی، فرد را در رقابت با دیگران برای دستیابی به یک شغل معین، در موقعیت ممتازی قرار می دهد. مشاغلی که به سطح بالایی از آموزش نیاز دارند، معمولاً حقوقهای بالاتری را نیز ارائه می کنند.

جنسیت و حق تقدم فرزندان: در بیشتر جوامع بشری مردان و زنان به صورتهای متفاوتی اجتماعی می شوند. تا دهه ی اخیر، در بیشتر کشورها از مردان انتظار می رفت که نان آور اصلی خانواده باشند و همه ی مسئولیتهای اقتصادی خانواده را به عهده گیرند و زنان به طور سنتی تشویق نمی شدند که وارد دانشگاهها شوند و یا در شغل مهمی خدمت کنند.

در بسیاری از جوامع، والدین برای یکی از فرزندانشان، معمولاً بچه ی اولی یا آخری، حق تقدم قائل می شوند و منابع مالیشان را برای پیشرفت او اختصاص می دهند. فرزندان که از این حق تقدم برخوردار نیستند، امکان کمتری برای تحرک اجتماعی دارند.

ازدواج: تحرک صعودی می تواند از طریق زناشویی فرد با عضوی از طبقه بالاتر صورت پذیرد. سن شخص در زمان ازدواج نیز در احتمال تحرک اجتماعیش نقش بازی می کند؛ هرچه ازدواج فرد در سنین پایین تری صورت گیرد، احتمال تحرک اجتماعی او نیز کمتر می شود.

چشم پوشی از مزایای حال به خاطر تضمین آینده ی بهتر: افرادی که در جوانی از مزایای زندگی چشم پوشی می کنند تا آینده بهتری را برای خودشان تأمین می کنند، در مقایسه با جوانانی که می خواهند هر چه زودتر شغل و درآمدی برای خود به دست بیاورند و از اوقات فراغت لذت برند، احتمال تحرک صعودیشان بیشتر است.

برنامه های دولتی: امروزه دولتها از طریق برنامه های گوناگون به طبقات متوسط و پایین کمک می کنند تا امکان تحرک اجتماعی را برای این طبقات نیز فراهم سازند. اعطای بورسهای تحصیلی و دوره های آموزشی ضمن خدمت، از جمله ی این تسهیلات دولتی اند.

بینش ها و گرایش ها: بینش + گرایش = کنش

بینش ها و گرایش ها منجر به ایجاد کنش در اجتماع می شود و در مقابل واکنش را ایجاد می کند. این هر دو حالت حاصل ادراکات انسان های جامعه است.

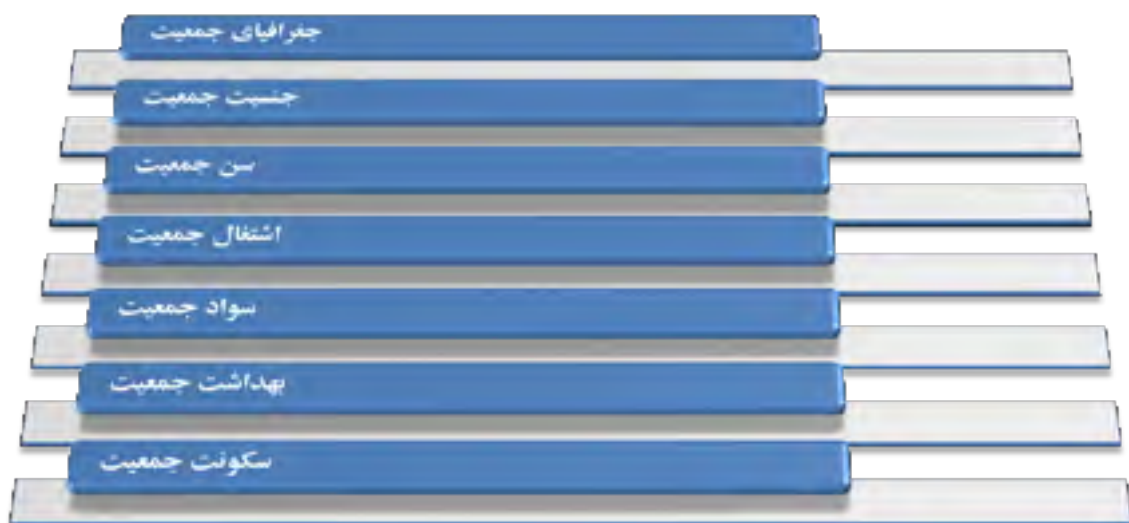
این ادراکات عبارتند از :

- **ادراکات حسی:** حواس پنجگانه ظاهری (یعنی شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی و لامسه)
- **ادراکات خیالی**
- **ادراکات عقلی:** شامل تمام مفاهیم، معانی، گزاره ها و جمله هایی می شوند که می توان آنها را در قالب الفاظ بیان کرد یا آنها را به صورت نوشتار در آورد؛ مانند این قضایا: هر شکری شیرین است. هر فرزندی پدری دارد. پرنده ای به نام سیمرغ موجود نیست. این کاغذ سفید است. خداوند آفریدگار این جهان است. روز قیامت واقعیت دارد و نیز مفاهیم کلی و جزئی همانند مفهوم انسان، مفهوم درخت، مفهوم آسمان، مفهوم عدد، مفهوم گل، گیاه، سبد و ...

نمایه جمعیتی:

ترکیب جمعیت به لحاظ لغوی معادل Population Structure است که به معنای ساختمان، ساخت و یا ساختار جمعیت می باشد و به لحاظ اصطلاحی مجموعه عناصر و ویژگی ها و روابط نسبتا پایدار جمعیت است که در طول زمان در ارتباط با یکدیگر دارای شکل و ترکیب خاصی شده اند، به نحوی که تغییر آن در مدت زمان کوتاه بسیار دشوار است. بی شک جمعیت شناسی، به عنوان شاخه ای از علوم اجتماعی است.

اجزای تشکیل دهنده ترکیب جمعیت



توزیع جغرافیایی جمعیت

همان نحوه پراکندگی یا انبوهی جمعیت در سطح سرزمین با تمام ویژگی‌های جغرافیایی آن است که عوامل طبیعی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی بر آن تأثیرگذار است نوع معیشت (شبانی، کشاورزی و صنعتی) نیز در پراکندگی جمعیت‌ها موثر است در مسأله انبوهی جمعیت، علاوه بر آگاهی از رقم مطلق جمعیت، از طریق سرشماری، رابطه بین آن و برخی عوامل همچون مساحت منطقه مسکونی یا منابع اقتصادی آن مورد بررسی است.

ترکیب سنی و جنسی جمعیت

به عنوان مشخصه اصلی ترکیب جمعیت است. آگاهی از خصوصیات کمی و کیفی جمعیت از نظر ترکیب سنی و جنسی، چه از نظر تأمین نیروی انسانی و خدمات مورد نیاز هر یک از دو جنس زن و مرد در سنین مختلف لازم است. چراکه بدون توجه به آن، هرگونه برنامه‌ریزی جمعیتی ممکن نخواهد بود.

ترکیب سنی جمعیت همان نحوه پراکندگی جمعیت برحسب سن است. سن یکی از متغیرهای اصلی جمعیت است و توزیع آن در گروه‌های مختلف سنی از نظر اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است، توزیع سنی جمعیت را سه دسته می‌کنند:

- ساخت سنی جوان (۱۵-۰ سال)، ویژه کشورهای توسعه‌نیافته
- ساخت سنی روبه‌سالخوردگی (۶۴-۱۵ سال) مخصوص کشورهای در حال توسعه
- ساخت سنی سالخورده (۶۵ سال به بالا) ویژه کشورهای توسعه یافته

ترکیب اشتغال جمعیت: کل جمعیت یک منطقه را براساس وضع اشتغال دو بخش می‌نمایند:

- **جمعیت فعال**، جمعیتی است که در سن قانونی کار قرار دارد و نیروی آماده‌ای جهت تولید کالا و خدمات می‌باشند.
- **جمعیت غیر فعال**، گروهی است که بنا به علل معینی در تولید کالا و خدمات نقشی ندارند

ترکیب جمعیت به لحاظ وضع آموزش و سواد؛ تعداد معینی از جمعیت باسواد در سطوح مختلف آموزشی که تفاوت کمی و کیفی آنها برحسب جنس، محل سکونت و... مورد توجه جمعیت‌شناسان است

ترکیب جمعیت به لحاظ بهداشت و سلامتی:

هر جامعه‌ای به لحاظ سطح برخورداری از امکانات بهداشتی و مسکن که متناسب با ساختار سنی و جنسی جمعیت باشد، وضع خاصی دارد؛ به‌طور مشخص، برخی متغیرهای جمعیتی مانند ترکیب سنی و جنسی، توزیع جغرافیایی، وضع زناشویی و... در ارتباط با بهداشت تحلیل می‌شوند شاخص‌های جمعیتی وضع سلامت و بهداشت در دو گروه بررسی می‌شوند:

- **شاخص‌های مثبت**: مانند باروری ولادت و امیدزندگی به‌هنگام تولد که نشانگر تداوم نسل‌ها و طول عمر انسان‌ها می‌باشند؛
- **شاخص‌های منفی**: وضع بیماری‌ها و مرگ و میرهای یک جامعه را که در مجموع حالت ناخوشایندی برای آنها دارد، نشان می‌دهد.

ترکیب جمعیت به لحاظ مسکن:

مسکن نیز به لحاظ ارتباط مستقیم و نزدیکی که با جمعیت و خانوار دارد در این مبحث می آید که در مطالعات جمعیتی، واحد مسکونی نامیده می شود که دارای ویژگی هایی چون مساحت کل، سطح زیربنا، داشتن یا نداشتن حیات و ... به کار می رود.

عوامل فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی

عوامل تأثیرگذار بر شکل گیری اجتماع و تربیت انسان



محیط طبیعی و جغرافیایی:

محیط طبیعی و جغرافیایی انسان و منطقه ای که در آن منطقه رشد و نما می کند، خواه ناخواه یک سلسله آثار قهری بر روی اندام و روحیه انسان می گذارد. منطقه های سردسیر و منطقه های گرمسیر و منطقه های معتدل هر کدام نوعی روحیه و اخلاق را ایجاد می کند. همچنین منطقه کوهستانی یا منطقه صحرائی و...

محیط اجتماعی:

محیط اجتماعی عامل مهمی در تکوین خصوصیات روحی و اخلاقی انسان است. زبان انسان، آداب عرفی و اجتماعی، دین و مذهب، غالباً همان چیزی است که محیط اجتماعی بر انسان تحمیل می کند.

محیط آموزشی:

مدرسه و به بیان کلی تر محیط تعلیم و تربیت، همچون خانواده از مهم ترین عوامل مؤثر در تربیت است. نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت انسانی و ساختار روحی و رفتاری او از نقش های کلیدی است، که می تواند استعدادهای آدمیان را در جهات مثبت و منفی سامان دهد و اشخاص عالم، عاقل، متفکر، مهذب، موحد، عدالت جو، فداکار و یا خلاف این ها تحویل جامعه دهد.

محیط رفاقت و معاشرت:

نسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد، و رفقا و دوستان نه تنها با هم انس می گیرند و با مصاحبت و همنشینی موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می آورند بلکه هر رفیقی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می کند و هر یک روی عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار یکدیگر تأثیر می گذارند.

محیط خانواده:

همه چیز این محیط و به خصوص عوامل انسانی آن بسیار تأثیرگذار است و تأثیرگذاری کودک و روابط عاطفی درون خانواده بر آن می افزاید. سال های نخست تربیت بسیار اهمیت دارد؛ زیرا در این سال هاست که ساختار جسمانی و عاطفی و اخلاقی و عقلانی شکل می گیرد. اعتقادات فرد در خانواده جوانه می زند و در زمینه مناسبات خانوادگی است که رشد می کند تا جایی که کودک دین خانواده را می پذیرد و در نتیجه افکار و رفتارش شکل می گیرد،

ساختار رسانه و تکنولوژی ارتباطات:

رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی اعم از کتاب، روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، سینما، ویدئو و خبر و اینترنت و شبکه های محلی این ها به وجود آورنده محیط های خاص و فضاها و ویژه در شکل دادن ساختار تربیتی انسان هاینند و از عوامل مهم محیطی به شمار می آیند.

تاریخ و عوامل زمانی:

نسان از نظر محیط اجتماعی تنها تحت تأثیر زمان حال نیست؛ زمان گذشته و وقایع و حوادثی که در گذشته رخ داده است نیز در ساختن او تأثیر به سزایی دارند، به طور کلی میان گذشته و آینده هر موجودی رابطه قطعی و مسلم برقرار است. گذشته و آینده مانند دو نقطه جدا از یکدیگر نیستند. بلکه مانند دو قطعه از یک جریان مداومند؛ گذشته نطفه و هسته آینده است.

وراثت:

وراثت عبارت است از انتقال صفات و خصوصیات جسمانی و روانی و حالات و ویژگی های اخلاقی و رفتاری از پدر و مادر و یا خویشاوندان و اجداد به نسل های بعدی. این ویژگی ها و خصوصیات، در جهت مثبت یا منفی در افراد تأثیر می گذارند. البته چنان که اشاره شد، وراثت عاملی مؤثر در تربیت است و نه عاملی مسلط در تربیت؛ به گونه ای که انسان با وراثت نادرست می تواند به درستی گراید و انسانی با وراثتی درست به نادرستی میل کند.